

## نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی فضایی توسعه روستایی با توجه به رویکرد ساختاری - کارکردی

حمیدرضا محمدی - دانشیار دانشکده علوم زمین  
رحمت‌الله منشی‌زاده - دانشیار دانشکده علوم زمین  
بیژن رحمانی - دانشیار دانشکده علوم زمین  
محسن پاک‌پرور\* - دانشجوی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش آمایش

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱

### چکیده

توسعه روستایی مفهومی همه‌جانبه و سیستمی است که، علاوه بر عمران و بهسازی روستا، همه جنبه‌های حیات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی روستا را دربر می‌گیرد. یک برنامه‌ریزی آرمانی و هدفمند در مناطق روستایی نیازمند رویکردی جامع است که باید ناظر به این ویژگی‌ها و پوشش‌دهنده آن‌ها باشد. تفکر سیستمی فرایند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش است که ویژگی‌هایی همچون هدف، کلیت، روابط متقابل، و محیط بیرونی و درونی از اصول تشکیل‌دهنده آن است. بنابراین، برنامه‌ریزی روستایی نیازمند شناخت روستا با نگرش سیستمی با توجه به کنش متقابل و وابستگی اجزای تشکیل‌دهنده آن با یکدیگر و محیط پیرامون در سطوح ملی و منطقه‌ای است. شناخت سیستمی در دو سطح است: ۱. روستا؛ توجه به کارکردها - ساختارها و پیوندهای درونی - بیرونی روستایی در عرصه برنامه‌ریزی و توسعه روستایی با زیرسیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی قابل بررسی و با عملکردهای خدماتی و توزیع خدمات رابطه دارد؛ ۲. سرزمین؛ توجه به عوامل خلأ فضایی - عملکردی خدماتی روستایی با نتایج منطقه‌ای قابل بررسی و با وابستگی روستا به شهر، مهاجرت، و عدم انباشت سرمایه در روستا رابطه دارد. سامان‌دهی تنوعات موجود از لحاظ برخورداری منابع ناحیه‌ای، نیازها و توانمندی‌های منطقه‌ای، تقسیم کار بین بخش‌های شهری و روستایی با برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین قابل بررسی و از طریق ساختارهای نهادی و مدیریتی به‌طور نظام‌مند هدایت می‌شود. نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی فضایی با رویکرد ساختاری - کارکردی با شناخت جامع سازمان فضایی زمینه توسعه نهادی محلی، ملی، و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی فضایی، توسعه روستایی، رویکرد ساختاری - کارکردی، سامان‌دهی فضایی، نگرش سیستمی.

## مقدمه

در چارچوب رهیافت مطلوب توسعه برای مناطق روستایی، که با توسعه پایدار روستایی شناخته می‌شود، هم اینک برخلاف گذشته، توسعه روستایی مبتنی بر رویکردی کل‌نگر و سیستمی است که دربردارنده ابعاد بنیادی، شکل‌دهنده نظام توسعه روستایی، و هم‌پیوندی موزون میان آن‌هاست (سامر، ۲۰۰۱: ۱۲).

بسیاری از صاحب‌نظران بر آن‌اند که برای تحقق توسعه‌یافتگی روستایی باید به زمینه‌ها و عوامل مختلف و متعددی که با یکدیگر در تعامل‌اند توجه کرد (راتن، ۱۹۹۷: ۶). سیستم هر آن چیزی است که شکل و انسجام خود را از تعاملات جاری اجزای خود به‌دست می‌آورد. با توجه به موضوع اصلی مطالعات جغرافیایی، یعنی سیستم انسان-محیط، برای کشف این ماهیت لازم است پژوهشگر محیط و انسان را به‌خوبی بشناسد و روابط آن دو یا نقش هر یک را در این سیستم معین کند (اجاقلو و اجاقلو، ۱۳۹۵).

دست‌یابی به اهداف توسعه روستایی نیازمند نگرش سیستمی به توسعه است. برنامه‌ریزی فضایی عبارت است از نحوه توزیع و سازمان‌یابی انسان و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین. برنامه‌ریزی فضایی روندی است برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل هماهنگی جمعیت و تأسیسات اجتماعی و اقتصادی ایجادشده در فضای ملی، منطقه‌ای، و محلی (معصومی اشکوری، ۱۳۹۱: ۱۳). به عبارت دیگر، فضا مجموعه‌ای از روابط بین انسان، محیط، و فعالیت است. هدف کلی برنامه‌ریزی فضایی سازمان‌دهی فضای سرزمین در عین بهره‌برداری خردمندانانه از آن در راستای چشم‌انداز بلندمدت توسعه در ابعاد و مقیاس‌های گوناگون است (زیاری، ۱۳۹۶: ۱۱). اگر به تعریف متعارف برنامه‌ریزی فضایی بازگردیم، یعنی مجموعه فنون و روش‌های مورد استفاده برای قانونمندکردن و انتظام فضایی اقدامات اثرگذار بخش عمومی و خصوصی بر نحوه مکان‌گزینی و استقرار فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در فضا، ارتباط تنگاتنگ اجزای ساختاری و کارکردی نظام فضایی آشکارتر خواهد شد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۳). توجه به اصول و قانونمندی‌های حاکم بر پویای ساختاری-کارکردی (سعیدی، ۱۳۹۰) و اهداف اصلی برنامه‌ریزی فضایی سازگاری و همخوانی تنگاتنگی میان این دو را مشخص می‌کند. بر این پایه، اهداف اصلی برنامه‌ریزی فضایی و به تبع آن آنچه پویای ساختاری-کارکردی در پی شناخت آن است عبارت‌اند از:

- اصلاح ساختارهای فضایی با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی نظام‌های فضایی (منطقه، ناحیه، شهر، و روستا)؛

- انتظام مکانی-فضایی فعالیت‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی در سطوح مختلف سرزمین و نظم‌بخشی به روابط و کارکردهای فضایی از طریق سطح‌بندی سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌های شهری و روستایی (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸).

تجربه توسعه در کشورهای جهان سوم حداقل در بخش روستایی نشان می‌دهد که نحوه نگرش به توسعه و روش‌ها و راهبردهای اتخاذشده نقشی کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه دارد. بسیاری از صاحب‌نظران دلیل عدم موفقیت در بهبود وضعیت جامعه روستایی و شکست برنامه‌های توسعه در روستاها را به نحوه نگرش به توسعه روستایی و راهبردهای اتخاذشده مربوط می‌دانند (جمعه‌پور، ۱۳۸۴).

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در برنامه‌های توسعه روستایی نشان می‌دهد کم‌توجهی به بُعد زیست‌محیطی عمران روستایی در قوانین کلیه برنامه‌ها (فتح‌الهی و همکاران، ۱۳۹۶)، توجه به توسعه ساختارها و نمودهای فیزیکی و بی‌توجهی به اهداف عملکردی، انسان‌ها و مردمان روستایی (رحیمی و توسلی، ۱۳۹۱) و تأثیر متغیرهای زمینه‌ای محیط

سیاست‌گذاری بر متغیرهای ماهیتی و ساختاری (امیدی، ۱۳۹۱) از خصوصیات و خطامشی‌های اتخاذشده در توسعه روستایی است.

فقدان الگوی جامع برای پیشرفت و توسعه پایدار روستایی به کاهش اثربخشی برنامه‌های توسعه روستایی منجر شده و علاوه بر نرخ رشد منفی جمعیت در این مناطق به مهاجرت منجر گردیده و مسائلی چون حاشیه‌نشینی در شهرها و کاهش جمعیت فعال در بخش راهبردی کشاورزی و تولید را در پی دارد. بنابراین، به‌منظور کاهش تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در روستا و توسعه ملی- منطقه‌ای و محلی ارائه الگوی منسجم متشکل از تعامل و روابط متقابل محیط بیرون و درون سیستم، توجه به ساختارها و کارکردهای نظام فضایی که با واسطه‌های فضایی و غیرفضایی به‌طور نظام‌مند هدایت می‌شوند الزامی است. روستا، توسعه روستایی، و برنامه‌ریزی برای توسعه همه مفاهیمی سیستمی‌اند. بنابراین، شناخت آن‌ها و هرگونه اقدامی در جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در آن‌ها نیازمند نگرش مناسب است. فرض محوری پژوهش حاضر این است که نگرش سیستمی با توجه به رویکرد ساختاری- کارکردی الگوی مناسب برای شناخت و پیشرفت و توسعه پایدار مناطق روستایی و به دنبال آن ایجاد تغییر مطلوب در آن است.

### مبانی نظری

توسعه روستایی مبتنی بر رویکردی کل‌نگر و سیستمی است که دربردارنده ابعاد بنیادی، شکل‌دهنده نظام توسعه روستایی، و پیوندی موزون میان آن‌هاست. بدین ترتیب یکپارچگی و همه‌جانبه‌نگری، تأکید بر توانمندسازی و مسئولیت‌پذیری، ظرفیت‌سازی و نیز تأمین امنیت اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، و نهادی از اصول بنیادین توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود (سامر، ۲۰۰۱: ۱۲). نقش توسعه کالبدی مناطق روستایی در ایجاد بستر مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیکی و تأمین شرایط لازم برای تبدیل مناطق روستایی به محیط‌های امن برای فعالیت و سکونت امری ضروری تلقی می‌شود (داگلاس، ۱۹۹۸: ۷۵). برنامه‌ریزی فضایی عبارت است از نحوه توزیع و سازمان‌یابی انسان و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین. برنامه‌ریزی فضایی روندی است برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل هماهنگی جمعیت و تأسیسات اجتماعی و اقتصادی ایجادشده در فضای ملی، منطقه‌ای، و محلی (معصومی اشکوری، ۱۳۹۱: ۱۳). تفاوت بین برنامه‌ریزی فضایی و برنامه‌ریزی فیزیکی توجه به مسئله جمعیت و اشتغال در برنامه‌ریزی فضایی است و تفاوت بین برنامه‌ریزی فضایی و برنامه‌ریزی بخشی پرداختن به مسئله مکان و حرکات محیطی در برنامه‌ریزی فضایی است. در برنامه‌ریزی فضایی فضا حجم زمانی و مکانی مجموعه فعالیت‌هایی است که انسان در طبیعت انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، فضا مجموعه‌ای از روابط بین انسان، محیط، و فعالیت است. هدف کلی برنامه‌ریزی فضایی سازمان‌دهی فضای سرزمین در عین بهره‌برداری خردمندانه از آن در راستای چشم‌انداز بلندمدت توسعه در ابعاد و مقیاس‌های گوناگون است (زیاری، ۱۳۹۶). جغرافیا در رویکرد پویای ساختاری- کارکردی علمی است که به شناسایی ساختاری- کارکردی نظام‌های فضایی می‌پردازد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۵). فرض اساسی رویکرد این است که میان اجزای ساختاری و کارکردی همه پدیده‌های جغرافیایی نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار هم به وجه عمودی هم افقی برقرار است. این رویکرد بر مبنای اندیشه منطقی- علمی ایمانوئل کانت، فلسفه دیالکتیک عینی هگل، رویکرد سیستمی، پارادایم علم فضایی (نظریه‌های کریستالرو فون تونن، نظریه منطقه‌بندی‌های روزانه ورنلن، و نظریه شبکه منطقه‌ای فریدمن و داگلاس سازمان‌دهی شده است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۵).

نگرش سیستمی به برنامه‌ریزی از اواسط دهه ۱۹۶۰ و عمدتاً از مجرای آثار مک‌کالین و چادویک نمایان شد. آن‌ها بر آن بودند که سیستم‌ها در همه محیط‌های طبیعی و انسانی وجود دارند و می‌توان آن‌ها را از طریق انتظام‌بخشی به روابط

میان اجزای تشکیل‌دهنده کنترل کرد. نقطه کانونی رویکرد سیستمی این است که شهرها و مناطق مجموعه‌های درهم‌تنیده‌ای از اجزا بوده که به‌طور پیوسته در جریان‌اند و برنامه‌ریزی به‌مثابه تحلیل و کنترل سیستم‌ها باید پویا و همگام با تغییر باشد (المیندینگر، ۲۰۰۰: ۵۱).

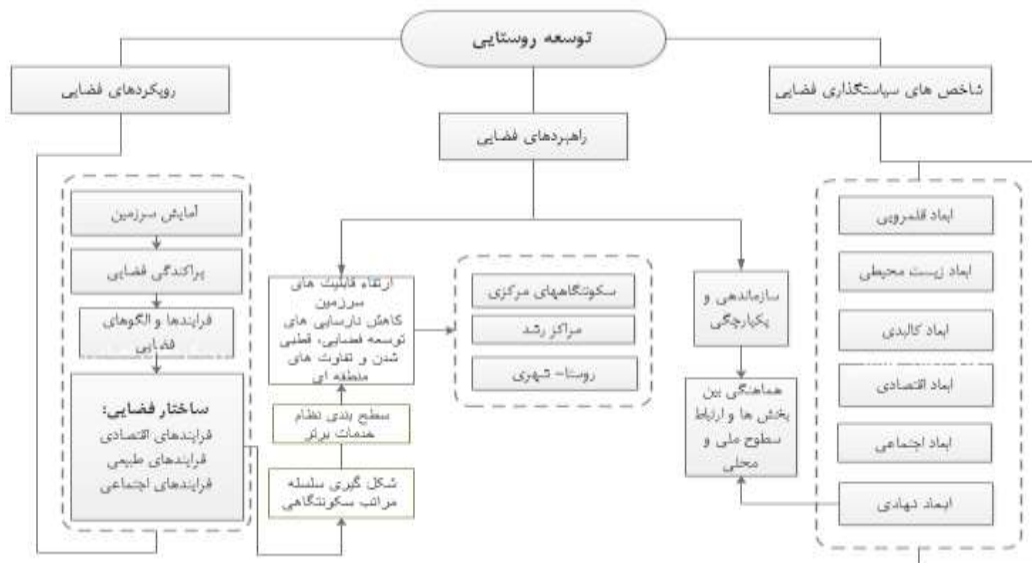
## روش تحقیق

مقاله حاضر به لحاظ ماهیت از نوع پژوهش‌های بنیادی و به لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. نگرش سیستمی چارچوب روش شناختی برای تحقیق و بررسی ساخت و کارکرد یک سیستم فراهم می‌آورد و به جغرافی‌دان این امکان را می‌دهد که به‌منزله ابزار روش‌شناختی فرم تازه‌ای از جامعیت جغرافیایی بنا کند. بین اجزای یک سیستم وابستگی متقابل وجود دارد. همه سیستم‌ها متشکل از مجموعه‌ای از داده-ستانده، جریان‌ها/ فرایندهای تبدیل، و حلقه بازخوردند که در زنجیره پیوندها و تعاملی پویا یک کل را پدید می‌آورند که دارای ویژگی‌های متفاوت از اجزای خود است. در این مقاله با مطالعه متون و نظریه‌های برنامه‌ریزی فضایی و طرح‌های سامان‌دهی فضایی نخست عوامل و نیروهای دخالت‌کننده و بستر ساز در دگرگونی نظام فضایی حاکم بر روستا از حیث اهمیت ساختاری در سطح کلان، که بر برنامه‌ریزی و انتظام فضایی روستا تأثیرگذار است، در چهار بخش دسته‌بندی شد: تأثیرپذیری نظام فضایی از عوامل بیرونی و درونی، روابط بین شهر روستا، رویکردهای فضایی نهادگرایی/ توسعه نهادی، برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین. سپس، با تأکید بر لزوم نگرش سیستمی با استفاده از رویکرد ساختاری- کارکردی الگوی برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه روستایی بر اساس رویکرد سیستمی و عوامل مرتبط با اجزای ساختاری با اهداف توسعه محلی، منطقه‌ای، و ملی ترسیم شد.

## بحث و یافته‌ها

برنامه‌ریزی فضایی در عمل می‌کوشد بر توسعه فضایی به مفهوم عام و به‌ویژه بر تضادهای آشکار موجود در سیاست‌های عمومی که موجب توسعه ناپایدار می‌شوند اثرگذار باشد. نگرش سیستمی و نظریه عمومی سیستم‌ها نقش عمده‌ای در ادراک جغرافیایی ایفا می‌کند (هاروی، ۱۳۷۶: ۴۵۱). سیستم را کلیتی به‌هم‌پیوسته از عناصر متعامل و پویا در تعادل می‌داند که در ظاهر و باطن در راه نیل به یک هدف مشترک گام برمی‌دارند.

نتایج مطالعات توسعه و اسناد سیاست‌گذاری روستایی نشان می‌دهد که در تبیین برنامه‌ریزی فضایی توسعه روستایی رویکردهای فضایی، راهبردهای فضایی، و شاخص‌های سیاست‌گذاری فضایی به‌منظور نیل به ارتقای قابلیت‌های سرزمین، کاهش نارسایی‌های توسعه فضایی، و قطبی‌شدن و تفاوت‌های منطقه‌ای نقش عمده دارند که در پیوندی پویا و تعامل با عناصر ساختاری خود در جهت توسعه روستایی سازمان‌دهی می‌شوند (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی تبیین برنامه‌ریزی فضایی توسعه روستایی  
منبع: یافته‌های پژوهش برای این مطالعه

برنامه‌ریزی و توسعه روستایی دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، و زیست‌محیطی است. تهیه طرح‌هایی که به همه ابعاد پردازد ضروری است. از آنجا که سامان‌دهی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی نیز دارای برآیندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و زیست‌محیطی است، لازم است همه ابعاد یکپارچه و همه‌جانبه در نظر گرفته شود. تفکر سیستمی فرایند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش است که ویژگی‌هایی همچون هدف، کلیت، روابط متقابل، و محیط بیرونی و درونی از اصول تشکیل‌دهنده آن است (مرعشی، ۱۳۸۸: ۱۴). بر این مبنای عواملی که می‌تواند بر توسعه روستایی و ایجاد تعادل بین مناطق روستایی و غیرروستایی اثرگذار باشد تنها به تغییر در نظام درونی روستا وابسته نیست، بلکه به شکل پیچیده‌ای با دنیای خارج از روستا (نواحی شهری، سرزمین ملی، و نظام بین‌المللی) نیز پیوند دارد. بنابراین، برای توسعه بخش روستایی برقراری پیوندهای پویا میان مناطق روستایی و شهری با دیگر مناطق کشور و نظام بین‌المللی الزامی است. درحقیقت، اگر قرار است پیش‌نیازهای بایسته برای بهبود زندگی تهری‌دستان روستایی مؤثر واقع شود، لازم است به‌طور نظام‌مند بررسی شود. برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای مقیاس و با تأکید بر قابلیت‌های مختلف نظام‌های فضایی از جوامع محلی، مناطق، و تا سطح ملی را دربر می‌گیرد و می‌تواند شامل برنامه‌ریزی روستایی، شهری، و منطقه‌ای به نحوی توأمان باشد. به سخن دیگر، برنامه‌ریزی فضایی می‌کوشد تا کیفیات لازم در نواحی شهری و روستایی را برپا سازد و از آن حفاظت نماید. البته، آشکار است که مسائل برنامه‌ریزی فضایی همیشه و همه‌جا یکسان و یکنواخت نیست، بلکه با خصلت‌های جوامع و توسعه و تحول آن‌ها تغییر می‌پذیرد (سعیدی، ۱۳۹۰).

برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین از مسائل مهم و کلیدی دیگری است که در برنامه‌ریزی کلان و بخشی جای بررسی دارد. هدف از آمایش سرزمین توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است؛ به‌گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها، و موقعیت خود از میزان مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار شود و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد (کلانتری و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۲). از جمله اهداف آمایش سرزمین، که در برنامه‌های طولانی‌مدت مرکز توجه است، تعیین راهبرد کلی توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌هاست. برنامه آمایش

سندی است که برای تحقق توسعه پایدار فضایی مجموعه اهداف، راهبردها، سیاست‌ها، و برنامه‌های اجرایی بخش‌های دولتی و غیردولتی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، و کالبدی و سیاسی دربر می‌گیرد. رویکرد نهادگرایی / توسعه نهادی پاسخی به ناتوانی رویکردهای کلاسیک توسعه محلی و منطقه‌ای و شکست آن‌ها در تبیین چرایی نابرابری‌های محلی و منطقه‌ای و ارائه راهکارهای مناسب برای از بین بردن این نابرابری‌ها (توسعه فضایی) است.

اگر به تعریف متعارف برنامه‌ریزی فضایی یعنی مجموعه فنون و روش‌های مورد استفاده برای قانونمند کردن و انتظام فضایی اقدامات اثرگذار بخش عمومی و خصوصی بر نحوه مکان‌گزینی و استقرار فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در فضا (سعیدی، ۱۳۸۸) توجه شود ارتباط تنگاتنگ اجزای ساختاری و کارکردی نظام فضایی آشکارتر خواهد شد. بر این مبنا، شاخص‌های تعیین شده و اثرگذار در برنامه‌ریزی و انتظام فضایی در بخش‌های زیر ردیابی می‌شود.

### شاخص‌های تأثیرگذار در برنامه‌ریزی و انتظام فضایی

#### ۱. تأثیرپذیری نظام فضایی از عوامل بیرونی و درونی

سیستم متشکل از کلیتی شبکه‌ای از روابط متقابل بین عناصر یا زیرسیستم‌ها که برای تحقق هدف یا اهداف خاص شبکه‌ای از روابط متقابل بین آن‌ها برقرار است. در تبیین مفهوم کلیت، باید درک پیوندها و روابط متقابل قابل تجسم باشد. پیوندها یا شبکه‌های روابط بین عناصر یا زیرسیستم‌ها عامل اصلی هویت و شکل‌گیری نظام است. چه بسا مجموعه‌ای از عناصر گرد هم آیند، ولی مادامی که بین آن‌ها روابطی برقرار نشده باشد، نمی‌توان آن را نظام یا سیستم نامید (جمعه‌پور، ۱۳۸۴).

برقراری این روابط نه تنها در سطح درونی، بلکه در سطح بیرونی نیز از اهمیت برخوردار است. روابط برای رسیدن به هدف و ایفای نقش برقرار می‌شود. بنابراین، کارکرد، هدف، و ماهیت نظام و اجزا از طریق پیوندها و روابطی که برقرار ساخته‌اند مشخص می‌شود. هر نظام فضایی، از جمله سکونتگاه‌های روستایی، نه تنها تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در محیط خود است، بلکه از نیروها و روندهای بیرونی نیز به شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد. این گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی از قانون‌مندی‌های حاکم بر همه انواع نظام‌ها به‌شمار می‌رود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۸۰) که مجموعه عوامل و نیروهای دخالت‌کننده در مقیاس محلی، ناحیه‌ای، و جهانی را دربر می‌گیرد و در تعاملی پویا بستر ساز دگرگونی نظام‌های مکانی - فضایی به‌شمار می‌رود. بدین‌سان، نظام‌های سکونتگاهی در فرایند یک تعامل پویا از نیروهای گوناگون اثرگذار در روند زمان رنگ و شکل می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۳۵۵) عوامل درونی عبارت است از عواملی که در خود فضای مورد بررسی عینیت دارد و متناسب با ویژگی‌های خود منطقه است. نیروها و عوامل درونی در دو گروه از عوامل و نیروها قابل تفکیک‌اند: ۱. نیروها و عوامل محیط؛ ۲. نیروها و عوامل محیط اجتماعی - اقتصادی (سعیدی و صدوق، ۱۳۸۵: ۹). عوامل بیرونی عواملی است که از سایر واقعیت‌های مکانی - فضایی یا غیرفضایی نشئت می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اداری و اقدامات عمرانی را شامل می‌شود (امین مقدم، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

#### ۲. روابط بین شهر و روستا

در فرایند توسعه ملی و حتی توسعه شهری، توجه به روستاها و برنامه‌ریزی توسعه روستایی اهمیت دارد. در واقع، با توجه به اصل مکمل بودن فضاها و مکان‌ها، توسعه ملی و توسعه شهری بدون توسعه روستایی معنی و مفهوم نخواهد داشت. سکونتگاه‌ها امروزه به صورت نظام‌های باز عمل می‌کنند، به‌ویژه سکونتگاه‌های شهری و روستایی به دلیل روابط متنوع و

گسترده‌ای که با یکدیگر دارند به شدت تحت تأثیر یکدیگرند و به یکدیگر وابستگی و نیاز دارند. مسئله توسعه روستایی در ایران همیشه جایگاهی محوری در نظام سیاست‌گذاری کشور داشته است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱).

توسعه روستایی پدیده مستقلی است که در یک دیدگاه کلی با نقش سکونتگاه‌های روستایی در توسعه ملی، که در رابطه با ظرفیت تولید نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، مرتبط است. چون نیاز به تعادل بین شهر و روستا به ورت عام و کشاورزی و صنعت به‌طور خاص وجود دارد، در اقتصادهای جهانی و یکپارچه این تعادل ممکن است فقط در یک واحد گنجانده شود که آن از تشکیلات اجتماعی منفرد و متمایز بسیار وسیع‌تر خواهد بود و در نتیجه کارکردهای متفاوتی خواهد داشت (برگر، ۱۹۹۴: ۲). گزارش پایش جهانی (۲۰۱۳) بر اهمیت نقش پیوندهای روستایی- شهری برای کاهش فقر تأکید می‌ورزد. در دنیایی که به سمت جهانی‌شدن پیشرفته و به‌سرعت در حال شهری‌شدن است نیاز به غلبه بر این دوگانگی‌ها از طریق تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری در سیاست (خطامشی) و برنامه‌ریزی است (تاکی، ۲۰۰۵: ۲).

واحدهای سکونتگاهی روستایی در ایران به پیروی از تنوع ناحیه‌ای و منطقه‌ای عوامل محیط طبیعی از یک سو و درجه تأثیرگذاری متفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر به نحوی متنوع و با تفاوت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای برپا شده و در گذر زمان شکل امروزی یافته‌اند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۸۵).

روابط بین شهرها و روستاها در بین مناطق کشور از دهه ۱۳۴۰ با برنامه‌ریزی‌های توسعه دچار دگرگونی شد و برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای رویکرد توسعه منطقه‌ای شکل گرفت. با این حال، به‌رغم سابقه و قدمت سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران، در بیشتر این اقدامات، توجه به این نکته که ایران سرزمینی وسیع است و تنوع و تکثر وجه غالب آن را تشکیل داده است مورد غفلت قرار گرفت (فرجی راد و همکاران، ۱۳۹۰).

### ۳. رویکردهای فضایی نهادگرایی / توسعه نهادی

بسیاری از شاخص‌های توسعه فضایی از طریق این رویکرد و نظریه قابل توسعه خواهد بود. به عبارت دیگر، نظریه توسعه نهادی با مباحثی همچون توجه به روش‌شناسی کیفی در فرایند تدوین برنامه‌های توسعه، تقویت شیوه‌های نظارتی از طریق نهادهای مردمی (سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌ها)، تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی و ایجاد نظام فراگیر داده‌ها و اطلاعات روستایی سبب تقویت جنبه‌های مشارکتی، پیوندها و تعاملات عوامل درونی و بیرونی و تقویت شبکه‌های فضایی می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴). از این رو، جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری الگوی فضایی مناسب در برنامه‌ریزی توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار روستایی، دارد. نهادینه‌شدن توسعه پایدار یا توسعه پایدار نهادی یکی از ابعاد اصلی سیاست‌گذاری فضایی است. برای نهادینه‌شدن توسعه پایدار به نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی مدون، هماهنگی بخش‌ها و ارتباط سطوح مختلف و درنهایت مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی در روند برنامه‌ریزی و مدیریت نیاز است. اما نگاهی به تحلیل محتوای کیفی سیاست‌های فضایی توسعه روستایی کشور پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد در عمده رمزهای استخراج‌شده، ۴۷ مورد از سیاست‌ها مربوط به مقوله نهادینه‌شدن توسعه پایدار است. برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ۲۱ مورد را به خود اختصاص داده است؛ به بیان دیگر، نظام برنامه‌ریزی متمرکز در ایران و درآمدهای حاصل از صادرات مواد خام باعث شده است تعداد زیادی از مواد و بندهای برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه روستایی مبتنی بر برنامه و بودجه‌ریزی از بالا به پایین شکل بگیرد. این امر موجب شده است نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی در فرایند نهادینه‌شدن توسعه پایدار کم‌رنگ شود (تعداد ۸ رمز استخراج‌شده از اسناد مختلف) (بدری و همکاران، ۱۳۹۷). با وجود افزایش سطح توجه به توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های بعد از انقلاب- که بیشترین آن در برنامه چهارم توسعه مشاهده می‌شود- این توجه بر اساس ساختار مدل تعالی سازمانی در همه ابعاد پایین‌تر از میانگین است

و نشان می‌دهد که در برنامه‌ها عناصر توانمندساز در باور خطامشی‌گذاران و برنامه‌ریزان برای نهادینه‌کردن پایداری به‌درستی شناخته نشده است و مدیریت اجرایی از ظرفیت لازم برای اجرای پایداری برخوردار نیست (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۲).

#### ۴. برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین

از آنجا که در مطالعات و برنامه‌ریزی آمایش یکپارچگی بین‌رشته‌ای مورد نظر است، توجه به متدهای تحلیل یکپارچه ضروری است. ماهیت بین‌رشته‌ای و پویای آمایش سرزمین ایجاب می‌کند رویکرد مطالعات و برنامه‌ریزی بر مبنای رویکرد سیستمی و زیست‌ناحیه‌ای با تأکید بر توسعه پایدار باشد. در این رویکرد هر سکونتگاهی را می‌توان ارگانیک دانست که کمترین مکانیسمی آن را متأثر می‌سازد (استعلاجی، ۱۳۸۹).

در نگاه آمایشی به توسعه بدون تعصب بخشی قابلیت‌های اقتصادی یا مجموعه‌ای از مکان‌های جغرافیایی بر اساس معیارهایی مانند ایجاد اشتغال، ارزش افزوده، تخریب‌نشدن محیط زیست و منابع طبیعی و تقویت سرمایه اجتماعی مطالعه و شناسایی می‌شوند و بر اساس آن فعالیت‌های اقتصادی به نحوی طراحی و اجرایی می‌شوند که در سطح مکان یا مکان‌های یادشده بیشترین هم‌افزایی ممکن بین فعالیت‌های اقتصادی مربوط روی دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵).

بررسی ساختار و منابع محیط طبیعی و ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی-سیاسی، و کالبدی نخستین اقدام در جهت شناخت وضع موجود در زیست‌ناحیه، سپس توان‌سنجی، تحلیل، و بررسی در تجزیه و تحلیل در برنامه‌ریزی مطالعات آمایش به‌شمار می‌رود. در پارادایم جدید توسعه، با استفاده از دیدگاه سینوپتیک توسعه کانون برنامه‌ریزی، حرکت از پایین به بالا و توجه به زیست و زندگی روستایی است. بدین ترتیب، واژه و مفهوم برنامه‌ریزی کالبدی به‌طور عمومی با مسئله آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی آمیخته شده است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۶) و با مفهوم سازمان‌دهی مطلوب فعالیت‌های انسان در فضا (اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی) همراه گردیده که حاصل آن تخصیص بهینه فضا به فعالیت‌های مختلف بر اساس اصول بنیادین توسعه پایدار است. برنامه‌ریزی فضایی، توزیع بهینه فعالیت‌ها در پهنه سرزمین، مدیریت فضا، و سیاست‌گذاری منطقه‌ای از ضروریات برنامه‌ریزی‌های توسعه از دیدگاه آمایشی فضایی به‌شمار می‌رود (ریمر و برت، ۲۰۱۳: ۲۷۴).

نتیجه چنین نگرشی طرح‌هایی است همچون طرح ملی آمایش سرزمین، آمایش استان‌ها، مجموعه شهری یا منطقه شهری، توسعه و عمران ناحیه، برنامه ملی گردشگری کشور، جامع گردشگری استان و امثال آن‌ها. در تصمیم‌گیری‌ها مباحثی همچون سرمایه اجتماعی در بخش مطالعات فرهنگی و توجه به ابعاد ظرفیت و ظرفیت‌سازی در بحث مدیریت آمایش استان و نقش نهادهای استانی در طرح آمایش استان‌ها مورد توجه قرار دارد. پارادایم‌های نوین توسعه روستایی بر ظهور نظام اجتماعی منطقه‌گرایی جدید تأکید دارند که انعطاف‌پذیرتر و متنوع‌تر بوده و ساختاری افقی‌تر نسبت به منطقه‌گرایی قدیم دارد و ذی‌نفعان مختلفی در نظام حکم‌روایی سیاست‌گذاری روستایی دخالت دارند (ریمر و مارکی، ۲۰۰۸: ۵).



جدول ۱. نگرش آمایشی و فضایی سیاست‌گذاری توسعه محلی و منطقه‌ای ایران

تعریف منطقه	تعریف توسعه منطقه‌ای	رویکرد به توسعه	سیاست‌ها و ابزارها
- مبهم و سطوح مختلفی به‌عنوان منطقه تعریف شده است. - در برنامه‌های مؤخرتر به سطوح استانی و شهرستانی توجه داشته است.	- بر حسب توزیع متوازن جمعیت و فعالیت‌ها متناسب با امکانات و توان‌های سرزمین تعریف شده است.	- رویکرد توسعه یک‌پارچه فضایی با تأکید بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و محیطی	- سناریوهای آینده‌نگری - نقشه‌های کاربری زمین در سطح کلان

مأخذ: فرجی راد و همکاران، ۱۳۹۰، با اندکی تخیلیص و تغییر

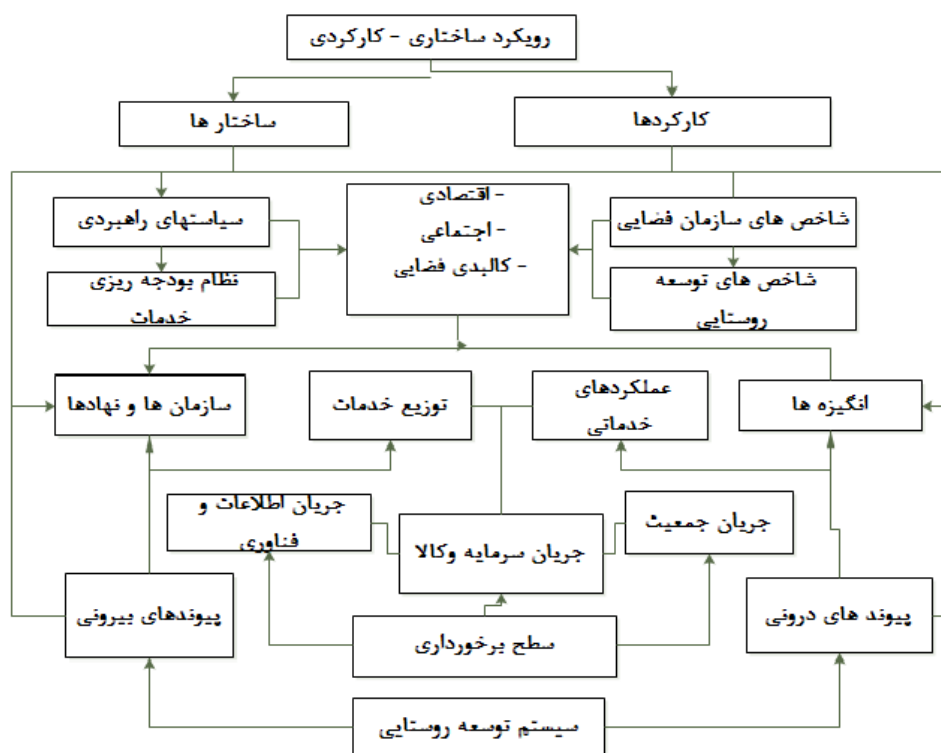
برنامه‌ریزی در این دیدگاه تا حدودی غیرمتمرکز است و بر عوامل محلی تأکید می‌کند و نقش عوامل و نهادهای سطح محلی (همچون شوراها و دهیاری‌ها، معتمدان محلی، و نیز عوامل و نهادهای سطح بخش و شهرستان) حائز اهمیت است. این دیدگاه بر سرمایه اجتماعی، نیروی انسانی، ظرفیت‌سازی، و مشارکت تأکید می‌کند.

### نگرش سیستمی و رویکردهای ساختاری - کارکردی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی

بررسی نحوه استفاده از اراضی و وضعیت استقرار کانون‌های جمعیتی و شبکه راه‌ها با استفاده از نقشه کاربری اراضی موجود طرح توسعه و عمران ناحیه، بررسی نظام استقرار و پراکنش آبادی‌های دارای سکنه در مقاطع سرشماری‌های رسمی کشور، بررسی شبکه‌های ارتباطی، نحوه پراکندگی تأسیسات زیربنایی، خدمات رفاهی و خدمات اقتصادی و پشتیبانی تولید در نقاط روستایی محدوده مورد مطالعه، بررسی روستاهای دارای طرح هادی و وضعیت آن‌ها، بررسی سلسله‌مراتب عملکردی روستاها، و بررسی حوزه‌های عملکردی با توجه به روابط عملکردی موجود بین کانون‌های شهری - روستایی و تعیین حوزه‌های هم‌پیوند خدماتی از موارد قابل ذکر در بررسی‌های فضایی - عملکردی در طرح‌های سامان‌دهی فضایی روستایی به‌شمار می‌روند (افراخته، ۱۳۹۰: ۱۸۶). با توجه به مشکلات ساختاری - کارکردی مناطق روستایی، همچنان توسعه سکونتگاه‌های روستایی در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، و محیطی بدون در نظر گرفتن رویکردهای توسعه پایدار بوده، زیرا سکونتگاه‌های روستایی با شدت و ضعف متفاوت با چالش‌هایی نظیر فقر، نابرابری درآمدی، مهاجرت‌های روستایی و تخلیه روستاها، غفلت از مدیریت کالبدی و فضایی و آسیب‌پذیری بالای سکونتگاه‌های روستایی روبه‌رو هستند و می‌توان دریافت که ارتباط بین رویکردهای پایدار و توسعه کالبدی بسیار کم‌رنگ است (پورطاهری و نقوی، ۱۳۹۰).

نگرش یکپارچه به عناصر کلیدی سیاست‌گذاری فضایی روستایی شامل مکان‌ها، مردم و فعالیت‌ها در تدوین قوانین، برنامه‌ها و سیاست‌ها موجب توسعه پایدار روستایی می‌شود. در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲ طرح «طبقه‌بندی روستاها و تدوین استراتژی توسعه روستایی کشور» توسط وزارت جهاد کشاورزی از طریق شرکت مهندسی مشاور هامونپاد تهیه شد. مرحله اول این طرح در سطح ملی و مرحله دوم «طرح سامان‌دهی فضاها و مراکز روستایی» و «طرح سطح‌بندی روستاهای کشور» در سطح استان‌ها و شهرستان‌های انجام گرفت. مطالعات وضع موجود و تجزیه و تحلیل این طرح نسبتاً جامع بوده و همه زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی، و فضایی - کالبدی را دربر می‌گرفت. ولی متأسفانه نتیجه این طرح صرفاً ماهیت فضایی - کالبدی داشته و پیشنهادهای مشخصی در آن برای سامان‌دهی اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی از جمله در زمینه‌های تولید و اشتغال وجود نداشت. سازمان فضایی زیستگاه‌های انسان، شهری، و ناحیه‌ای نتیجه مستقیم فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نهادی است. این فرایندها عملکردی در فضا دارند، اما فی‌نفسه فرایندهای فضایی نیستند. عملکرد محض سیاست‌های فضایی بدون درون‌مایه فضایی لاجرم به مسائل تبعی می‌انجامد. به همین دلیل، اغلب برنامه‌ریزی‌های فضایی که در جهان سوم تهیه می‌شود به نتایج مطلوب نمی‌رسد، زیرا با

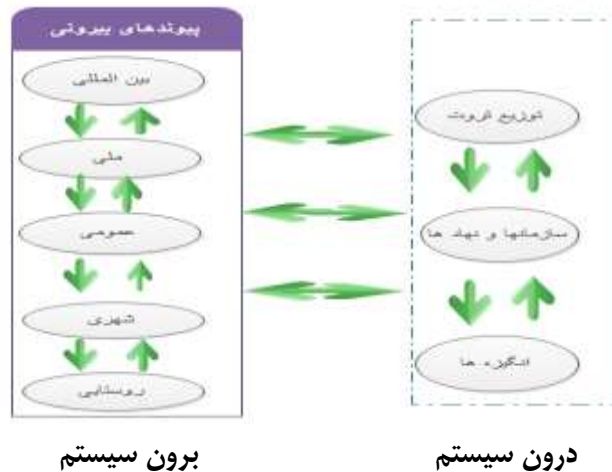
تغییرات ساختاری همراه نیست (شکوئی، ۱۳۷۵). با توجه به اینکه نظام فضایی مجموعه‌ای مرتبط از ساختارها و کارکردهای گوناگون است، به نظر می‌رسد یکی از مقوله‌های مهم در عرصه برنامه‌ریزی روستایی توسعه روستایی توجه به کارکردها- ساختارها و پیوندهای درونی- بیرونی روستایی باشد که در دو محور سیاست‌های راهبردی و شاخص‌های سازمان فضایی روستایی در سطح روستا با زیرسیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی قابل بررسی است (شکل ۲) و با عملکردهای خدماتی و توزیع خدمات رابطه دارد.



شکل ۲. رویکرد ساختاری- کارکردی در توسعه روستایی

منبع: یافته‌های پژوهش برای این مطالعه

برداشت سیستمی از توسعه بر هماهنگی بین اجزا جهت دستیابی به اهداف مورد نظر تأکید دارد. در یک سیستم توسعه، برخلاف برخی سیستم‌های زیست‌شناختی که ساختار کارکرد را تعیین می‌کند، نیازی به پذیرش ساختار به‌طور قطعی نیست. ساختار را می‌توان به‌گونه‌ای تغییر داد یا اصلاح کرد که متناسب با فرایند توسعه شود. کل اهداف سیستم، منابع سیستم، اجزای سیستم، و برنامه‌ریزی راهبردی از جمله موارد مطرحه در سیستم‌های توسعه به‌شمار می‌روند. در این سیستم دو دسته عوامل بیرون از سیستم و عوامل درونی (شکل ۳) دخیل‌اند.

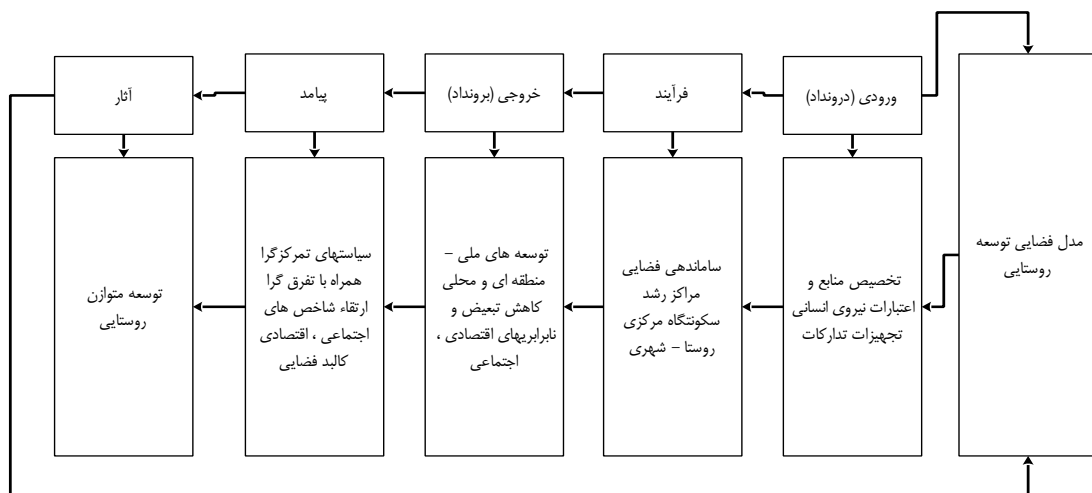


شکل ۳. روابط سیستم برنامه راهبردی

مأخذ: پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۳۶

به نظر رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۴)، الگوی سرمایه اجتماعی بر اساس رویکرد سیستمی، توسعه روستایی به‌طور اعم و توسعه فضایی به‌طور اخص تولیدی نظام‌مند است که از درون لایه‌های مختلف سیستم به شکلی درون‌زاد و در نتیجه مناسبات عناصر درون سیستمی مختلف همچون شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی، نظم و امنیت، و هنجارها و مشارکت معنا و مفهوم عینی و ذهنی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در این رویکرد، ویژگی‌های برنامه‌ریزی فضایی در قالب سیستمی از داده‌ها، خروجی، پیامد، و اثر گنجانده شده است.

الگوی برنامه‌ریزی فضایی بر اساس رویکرد سیستمی در شکل ۴ ارائه شده است. توسعه ملی - منطقه‌ای و محلی و کاهش تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از خروجی‌های این الگو به‌شمار می‌رود که از اتخاذ سیاست‌های تمرکزگرا و تفرق‌گرا حاصل می‌شود. تخصیص منابع و اعتبارات نیروی انسانی و تجهیزات و تدارکات ورودی در این الگو است. در این مدل اقدامات قابل دستکاری شامل ورودی و فرایندها و نتایج قابل دستکاری شامل خروجی و پیامدهاست.



شکل ۴. الگوی برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه روستایی بر اساس رویکرد سیستمی

منبع: یافته‌های پژوهش برای این مطالعه

تحولات ناشی از اجرای برنامه‌های فضایی توسعه روستاها، علاوه بر تأثیرات اقتصادی، تأثیر بسزایی در رشد جمعیت و ترکیب جمعیتی دارد که این اثرهای اجتماعی و جمعیتی می‌تواند، علاوه بر تأثیرپذیری از اثرات اقتصادی، به‌طور متقابل در بخش اقتصاد و پراکندگی نواحی روستا مؤثر باشد. توجه موردی به روند تغییرات جمعیت کل کشور و نقاط شهری حاکی از نکات قابل توجهی در این زمینه است.

جدول ۲. روند تغییرات جمعیت کل کشور و نقاط شهری ۱۳۵۵-۱۳۹۵

۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۷۹۹۲۶۲۷۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۷۰۴۹۵۷۸۲	۶۰۰۵۵۴۸۸	۵۵۸۳۷۱۶۳	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳۳۷۰۸۷۴۴	تعداد کل جمعیت (نفر)
۵۹۱۴۶۸۴۷	۵۳۶۴۶۶۶۱	۴۸۲۵۹۹۶۴	۳۶۸۱۷۷۸۹	۳۱۸۳۶۵۹۸	۲۶۸۴۴۵۶۱	۱۵۸۵۴۶۸۰	تعداد جمعیت شهری (نفر)
۱/۲	۱/۳	۱/۶	۱/۵	۲/۵	۳/۹	۲/۷	نرخ رشد جمعیت (درصد)
۲/۹	۲/۱	۲/۷	۲/۹	۳/۵	۵/۴	۴/۹	نرخ رشد جمعیت شهری (درصد)
۷۴	۷۱/۴	۶۸/۵	۶۱/۳	۵۷	۵۴/۳	۳۱/۴	نرخ شهرنشینی (درصد)

مأخذ: محاسبه و استخراج نگارندگان از پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران

طبق جدول ۲، سهم جمعیت شهرنشین کشور طی روندی مستمر از ۳۱,۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به‌نظر می‌رسد رشد سریع شهرنشینی در ایران بیش از هر چیز متأثر از رشد و افزایش جمعیت کشور و نیز جریان مداوم مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری است. بارزترین کارکرد برنامه‌ریزی فضایی تعادل و هماهنگی با هدف ترکیب بهینه فعالیت‌ها در زمان و مکان است که از طریق جمعیت و برد خدمات با سایر رویکردهای برنامه‌ریزی رابطه دارد. دستیابی به این ترکیب به کمک زیرمجموعه‌هایی (حوزه نظام‌ها) میسر می‌شود که در تعامل سنجیده و با کارکردهای متمایز به برنامه‌ریزی نظام می‌بخشد. همه پدیده‌های جغرافیایی، اعم از طبیعی- اکولوژیک و یا اجتماعی- اقتصادی، حاوی خصلت و قانون‌مندی‌های نظام‌ها (سیستم‌ها) هستند و از این رو نظام‌وار عمل می‌کنند (سعیدی، ۱۳۹۰).

سطوح سلسله‌مراتب فضایی باید توأمان و مرتبط با هم به‌عنوان زیرمجموعه‌ای متمایز از نظام برنامه‌ریزی تلقی شود. گرچه هر یک به‌دلیل زمینه‌ای فضایی با مقتضیات متفاوت از حوزه عمل و برنامه‌ریزی مستقلی برخوردارند، نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور فاقد رویکرد و زیرمجموعه‌ای است تا برای زمینه‌ها و بخش‌های مرتبط با مکان‌ها توأمان برنامه‌ریزی کند (رضوانی، ۱۳۹۵). بنابراین، به‌نظر می‌رسد یکی از مقوله‌های مهم در عرصه برنامه‌ریزی روستایی توسعه روستایی توجه به عوامل خلأ فضایی- عملکردی خدماتی روستایی در سطوح سرزمین است که با شاخص‌های برد خدمات و آستانه جمعیت قابل ردیابی است و به نتایج منطقه‌ای وابستگی روستا به شهر، مهاجرت، و عدم انباشت سرمایه در روستا منجر می‌شود. سامان‌دهی تنوعات موجود از لحاظ برخورداری منابع ناحیه‌ای، نیازها و توانمندی‌های منطقه‌ای، و تقسیم کار بین بخش‌های شهری و روستایی از طریق ساختارهای نهادی و مدیریتی به‌طور نظام‌مند هدایت می‌شوند.

نتایج منطقه ای	واسطه های فضایی و غیر فضایی	شاخص های اندازه
مهاجرت وابستگی روستا به شهر عدم اثبات سرمایه در روستا	سازمان فضایی ساختار نهادی و مدیریتی	آستانه جمعیت پرد خدمات

شکل ۵. عوامل خلأ فضایی - عملکردی خدماتی سکونتگاه‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش برای این مطالعه

به‌طور کلی، با مروری بر طرح‌های بیان‌شده در توسعه فضایی روستایی و نگرش سیستمی مطرح‌شده در تحقیق حاضر، موارد زیر در برنامه‌ریزی روستایی مطرح شد.

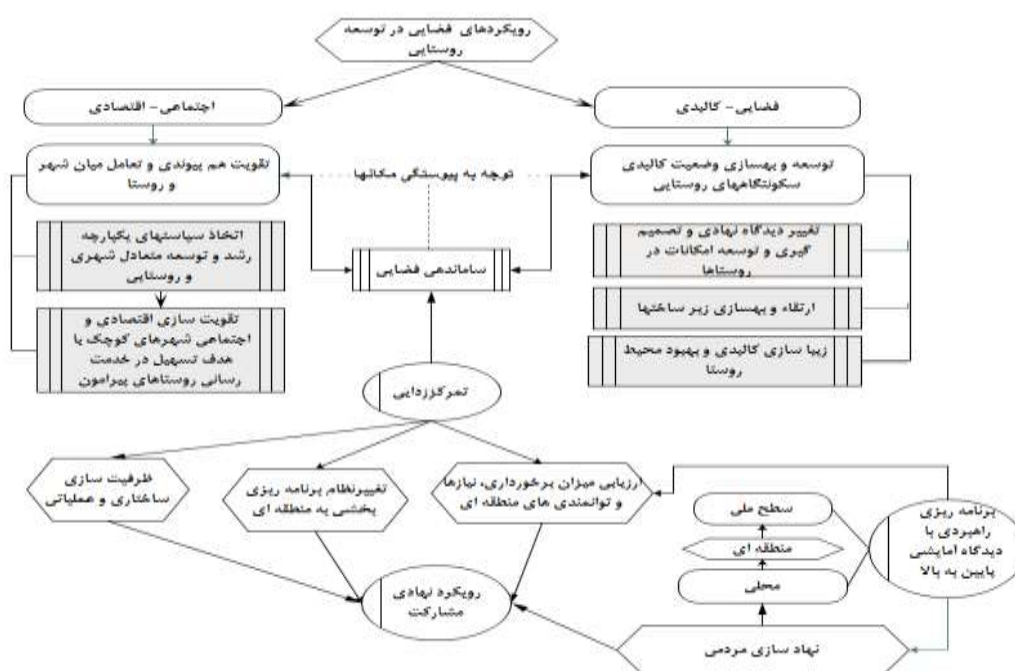
۱. با مطالعه متون توسعه و نظریه‌های توسعه روستایی در ارتباط با دانش بومی در مجموع دو دسته پارادایم‌های قدیم و جدید توسعه روستایی مشاهده می‌شود. پارادایم‌های قدیم عموماً طرفدار توسعه برون‌زا در چارچوب نظریه‌ای نوسازی و راهبردهای برنامه‌ریزی «بالا به پایین» و ساختارهای «مرکز- پیرامون» هستند؛ در صورتی که نظریه‌های جدید توسعه روستایی (که مبتنی بر عوامل و نهادهای درونی است) از مردم و دانش‌های بومی آنان حمایت می‌کند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۴). دست‌یابی به اهداف کلان توسعه ملی درک و شناخت همه‌جانبه سطوح ملی و منطقه‌ای را می‌طلبد. برنامه‌ریزی‌های ملی بدون واسطه برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای قادر به شناخت پتانسیل‌ها و محدودیت‌های محلی و منطقه‌ای نبوده و در تدوین اهداف توسعه‌ای خود با مشکلات اساسی مواجه خواهد بود (فرجی راد و همکاران، ۱۳۹۰).

۲. توجه به نقش شهرها در توسعه روستایی (تئوری مدرنیزاسیون) به‌عنوان عامل ایجادکننده، گسترش‌دهنده، و موتور محرک توسعه و به‌عنوان تسهیل‌کننده پخش توسعه و نوآوری روی حوزه نفوذ (پائول، ۱۹۸۸: ۲۵۵) در سامان‌دهی فضایی حائز اهمیت است. اهداف توسعه روستایی به‌طور منزوی و جدای از توسعه شهری و انحصاراً از طریق رشد اقتصادی «پایین به بالا» حاصل نمی‌شود (افراخته، ۱۳۹۰: ۴۶)، بلکه نیازمند عدالت اجتماعی، تسهیل توسعه کشاورزی، همراه با گسترش تجارت و صنایع شهری است و از این رو توجهات بیشتری به بسط اقتصادی شهرهای کوچک و متوسط معطوف شده تا به‌عنوان حلقه ارتباط بین اقتصاد شهری و روستایی بتواند توسعه همه‌جانبه و توزیع متعادل‌تر منافع را تسریع نماید (راندینلی، ۱۹۸۳: ۱۱۸). از این رو، توجه به تقویت هم‌پیوندی و تعامل میان شهرها و روستا از الزامات توسعه روستایی است که با اتخاذ سیاست‌های یکپارچه رشد و توسعه متعادل شهری و روستایی و همچنین تقویت‌سازی اقتصادی و اجتماعی شهرهای کوچک با هدف خدمت‌رسانی به روستاهای پیرامون ارتباط دارد.

۳. طرح سامان‌دهی فضاها و مراکز روستایی نخستین طرحی بود که برای سامان‌دهی روستاهای کشور در سطح ملی، استانی، و شهرستان تهیه شد و به دلیل ماهیت صرفاً فضایی- کالبدی پیشنهادهای مشخصی برای سامان‌دهی اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی نداشت. طرح سامان‌دهی اجتماعی- اقتصادی رویکرد مشارکتی بود که با تأکید بر محوریت مردم و نهادهای محلی با اولویت فعالیت‌های تولیدی مرتبط با کشاورزی ارائه نمود. البته، طرح‌های یادشده به دلیل نداشتن جایگاه قانونی مشخص در نظام برنامه‌ریزی کشور و موازی‌کاری و تداخل وظایف دستگاه‌های اجرایی دچار نوسان بوده‌اند. بنابراین، برنامه‌ریزی هدفمند روستایی برای رسیدن به توسعه پایدار و فرایندهای پایدار با عوامل فضایی

در یک چارچوب مشخص قابلیت ترکیب دارد. دولت‌ها و سازمان‌ها در مرکزیت قرار دارند و از طریق رویکردهای توسعه پایدار حفظ و ارتقای محیط را در سطح محلی، منطقه‌ای، و ملی فراهم می‌آورند. در این میان، توجه به نظام تولی‌گری برنامه به‌عنوان جزء کارکردی بر اساس شکل و دامنه روابط و نحوه برآوردن نیازهای محلی و منطقه‌ای و تحریک عوامل انگیزشی حائز اهمیت است.

۴. نحوه پراکنش و ساختار مکانی سکونتگاه‌های روستایی به عواملی چند بستگی دارد. این ساختار مکانی در واقع نمود عینی عملکرد روندهای طبیعی، اکولوژیکی، اجتماعی، و اقتصادی است و بر این اساس، چشم‌انداز روستایی حاصل کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی است. حال آنکه عوامل و عناصری مانند موقعیت، نیروها، و عوامل محیطی و انگیزه‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بر آن تأثیر می‌گذارند. بر مبنای روابط درونی و بیرونی، سکونتگاه‌های روستایی دارای دو موقعیت‌اند: ۱. موقعیت طبیعی (جغرافیایی)؛ ۲. موقعیت کارکردی (سعیدی، ۱۳۸۸: ۴۷). برنامه‌ریزی روستایی برای رسیدن به اهداف سامان‌دهی فضایی- کالبدی و اقتصادی- اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی نیازمند توجه به رویکردهای ساختاری- کارکردی در مناطق روستایی است. الگوی عمومی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی روستایی در شکل ۶ نمایش داده شده است.



شکل ۶. نظام مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار روستایی

منبع: یافته‌های پژوهش

## نتیجه‌گیری

با تأکید بر لزوم نگرش سیستمی با استفاده از رویکرد ساختاری- کارکردی و ارتباط تنگاتنگی که با برنامه‌ریزی فضایی دارد، بحث اساسی ارائه تعریف از جایگاه، نقش‌ها، و روابط متقابل میان اجزای سیستم است:

۱. کارکردها- ساختارها و پیوندهای درونی- بیرونی روستایی در عرصه برنامه‌ریزی و توسعه روستایی در دو محور سیاست‌های راهبردی و شاخص‌های سازمان فضایی روستایی در سطح روستا با زیرسیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی قابل بررسی است و با عملکردهای خدماتی و توزیع خدمات رابطه دارد.
۲. توجه به عوامل خلأ فضایی- عملکردی خدماتی روستایی در سطوح سرزمین در عرصه برنامه‌ریزی و توسعه روستایی با شاخص‌های برد خدمات و آستانه جمعیت قابل ردیابی است و با نتایج منطقه‌ای وابستگی روستا به شهر، مهاجرت، و عدم انباشت سرمایه در روستا رابطه دارد. تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه‌ای، نیازها و توانمندی‌های منطقه‌ای، و تقسیم کار بین بخش‌های شهری و روستایی از طریق ساختارهای نهادی و مدیریتی به‌طور نظام‌مند سامان‌دهی و هدایت می‌شوند.
۳. نهادسازی مردمی از عوامل و نهادهای درونی سیستم است که حمایت از دانش بومی را دربر می‌گیرد. رویکرد نهادی مشارکت در جهت ترغیب انگیزه‌های نظام، که محرک کارکرد درونی و بیرونی آن است، با ظرفیت‌سازی ساختاری و عملیاتی در کنار تغییر نظام برنامه‌ریزی بخشی به منطقه‌ای منجر به بهبود همه‌جانبه و متعادل بخش‌های مختلف روستا شده و توسعه نهادی محلی، ملی، و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.
- تحقق توسعه روستایی به‌وسیله مجموعه کاملی از الگوی منسجم توزیع سرمایه در روستا، سازمان‌ها، و نهادها- که سلسله‌ای از پیوندهای بیرونی مناسب آن‌ها را همراهی می‌کند- میسر می‌شود. نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی نظام فضایی، که مجموعه‌ای مرتبط با ساختارها و کارکردهای گوناگون است، با هدف کاهش تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در روستا و توسعه ملی- منطقه‌ای و محلی و شناخت خلأ فضایی- عملکردی خدماتی روستایی الزامی است. سیستمی در برنامه‌ریزی فضایی با رویکرد ساختاری- کارکردی و با شناخت جامع سازمان فضایی زمینه توسعه نهادی محلی، ملی، و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

## منابع

۱. آسایش، حسین، ۱۳۸۱، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*، ج ۵، انتشارات پیام نور.
۲. آلمیندینگر، فیلیپ. ۲۰۰۹، نظریه‌ی برنامه‌ریزی، ترجمه‌ی الهام بهمن تیموری، ۱۳۹۷، تهران: آذرخش.
۳. اجاقلو، رحیم و اجاقلو، مصطفی، ۱۳۹۵، رویکرد سیستمی در جغرافیا و تحلیل فضایی شهرها، دومین کنگره بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری، پژوهشکده جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان شرقی.
۴. استعلاجی، علیرضا، ۱۳۸۹، برنامه‌ریزی جامع آمایش سرزمین با تأکید بر نگرش سیستمی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی جغرافیا، صص ۷۲-۸۸.
۵. افراخته، حسن، ۱۳۹۰، *برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی*، پرهام نقش.
۶. امیدی، رضا، ۱۳۹۱، تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی برنامه و بودجه، ۴(۱۴)، ۹۷-۱۱۴.
۷. امین مقدم، محبوبه، ۱۳۹۰، روند تبدیل روستاها به شهر با تأکید بر تحول کالبدی- فضایی؛ نمونه موردی؛ روستا- شهر دابو دشت، شهرستان آمل، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۸. بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا و خدادادی، پروین، ۱۳۹۷، تحلیل محتوای سیاست‌های فضایی توسعه روستایی کشور پس از انقلاب، فصل‌نامه علمی *برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۳۳، صص ۱-۳۴.
۹. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، *نظریه نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران: سمت.
۱۰. پورطاهری، مهدی و نقوی، محمدرضا، ۱۳۹۰، توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد توسعه پایدار (مفاهیم، نظریه‌ها، راهبردها)، مسکن و روستا، شماره ۱۲۷، صص ۵۳-۷۰.

۱۱. جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۴، نگرش سیستمی به روستا و توسعه روستایی، روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۱، صص ۵۵-۸۰.
۱۲. راتن، ورنون، طرح‌های توسعه همه‌جانبه روستایی، دورنمای تاریخی، ترجمه عبدالحمید هاشمی علیا، فصل‌نامه روستا و توسعه، شماره ۲، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
۱۳. رحیمی، منیژه و توسلی، فردوس، ۱۳۹۱، بررسی نقش و جایگاه توسعه روستایی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران. - <https://www.civilica.com/Paper>
۱۴. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۹۵، ارزیابی سیاست سکونتگاه‌های مرکزی در برنامه برنامه‌ریزی و توسعه نواحی روستایی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۵، صص ۹۵-۱۰۸.
۱۵. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات قدس.
۱۶. رضوی‌زاده، سیدنورالدین، ۱۳۹۴، طراحی نظام پایش فرایند توسعه روستایی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
۱۷. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ دانی، لایلا و افتخاری، احسان، ۱۳۹۵، تحلیل محتوایی حقوق شهروندی روستایی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، (۲)، ۲۰، صص ۱۹۱-۲۰۵.
۱۸. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله و صادقلو، طاهره، ۱۳۹۲، تحلیل محتوایی جایگاه توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی ایران، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، (۲)، ۲۰، صص ۱۹۱-۲۰۵.
۱۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ محمودی، سمیرا؛ غفاری، غلامرضا و پورطاهری، مهدی، ۱۳۹۳، تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی مورد: روستاهای استان خراسان رضوی، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره یک، صص ۸۷-۱۰۷.
۲۰. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بوذرجمهری، خدیجه، ۱۳۸۴، تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، جلد ۹، شماره ۱، صص ۱۷-۴۵.
۲۱. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ محمودی، سمیرا و پورطاهری، مهدی، ۱۳۹۴، تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی، مورد: روستاهای استان خراسان رضوی، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.
۲۲. زاهدی، محمدجواد؛ غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، ۱۳۹۱، کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، پژوهش‌های روستایی، ۴ (۱۲)، ۱-۲۴.
۲۳. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۹۶، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. سعیدی، عباس، ۱۳۸۸، نقش عوامل جغرافیایی در ناپایداری، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱۳.
۲۵. سعیدی، عباس و صدوق، سیدحسین، ۱۳۸۵، نظام فضایی به‌مثابه جوهره مطالعات جغرافیایی، انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۷-۲۰.
۲۶. سعیدی، عباس، ۱۳۹۳، ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستایی، تهران: مهر مینو.
۲۷. سعیدی، عباس، ۱۳۸۸، مبانی جغرافیای روستایی، چ ۱۱، تهران: سمت.
۲۸. سعیدی، عباس، ۱۳۹۳، پویا ساختاری - کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی، نشریه انجمن جغرافیا، شماره ۱۳.
۲۹. سعیدی، عباس، ۱۳۹۰، پویا ساختاری - کارکردی رویکردی بی‌بدیل در برنامه‌ریزی فضایی، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱، صص ۱-۱۸.
۳۰. سعیدی، عباس و حسینی حاصل، صدیقه، ۱۳۸۸، شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید، چ ۲، تهران: شهیدی.
۳۱. شکوئی، حسین، ۱۳۷۵، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
۳۲. فتح‌اللهی کلام بحری، سعدی؛ کلاتری، خلیل و امیری، علی، ۱۳۹۶، تحلیل محتوای قوانین عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲: ۴۸-۶۷، ۶۷-۷۷.
۳۳. فرجی راد، خدر؛ کاظمیان، غلامرضا و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، ۱۳۹۰، آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی، فرایند مدیریت توسعه، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۷-۵۸.
۳۴. کلاتری، خلیل‌الله و عبدالله‌زاده، غلامحسین، ۱۳۹۱، برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، تهران: فرهنگ صبا.
۳۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶، گزارش تحلیلی طرح تأسیس سازمان توسعه روستایی (بند الف ماده ۱۹ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ج.ا.ا)، مؤسسه توسعه روستایی ایران، گزارش منتشرشده محدود.



۳۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵، بررسی وضعیت روستاها در ایران، تهران.
۳۷. مرعشی، سیدجعفر، ۱۳۸۸، تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن در جامعه و سازمان، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۳۸. معصومی اشکوری، سیدحسن، ۱۳۹۱، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نشر پیام.
۳۹. هاروی، دیوید، ۱۳۷۶، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
40. Afrakhteh, Hassan, 2011, *Planning of rural settlements*. Parham Naghsh.
41. Ajaghloo, Rahim and Ajaghloo, Mustafa, 2017, A systemic approach in geography and spatial analysis of cities, *Second International Congress of Earth Sciences and Urban Development*. East Jihad University Jihad Research Institute, Azarbayajan.
42. Amin Moghadam, Mahboubeh, 2011, The process of transforming villages into cities with emphasis on physical-spatial evolution; Case; Village - Dabo Dasht city, Amol city. *Proceedings of the International Conference on Rural Settlements: Housing and Texture*, Publisher, Housing Foundation of the Islamic Revolution.
43. Asayesh, Hossein, 2002, *Principles and methods of rural planning*, Payame Noor Publications, fifth edition.
44. Badri, Seyed Ali; Rezvani, Mohammad Reza and Khodadadi, Parvin, 2018, Content analysis of spatial policies of rural development of the country after the revolution. *Scientific Quarterly of Spatial Planning (Geography)*, Ninth Year, First Issue, Consecutive 32, pp. 1-24.
45. Berger, Gu., 1994, *Social structure and rural development in the third world*, Cambridge university.
46. Douglass, M., 1998, A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia, *Third World Planning Review*, 20 (1), 1-33.
47. Estalaji, Alireza, 2010, Comprehensive land planning with emphasis on systemic approach, *Journal of*, pp. 88-72.
48. Faraji Rad, Khedr; Kazemian, Gholamreza and Rakanuddin Eftekhari, Abdolreza, 2011, Pathology of regional development policies in Iran from the perspective of institutional approach. *Development Management Process*, Vol. 6, No. 2, pp. 27-58.
49. Fathullah Kalam Bahri, Saadi. Kalantari, Khalil and Amiri, Ali, 2017, Analysis of the content of civil law in the social, economic and cultural development programs of the Islamic Republic of Iran, *Iranian Journal of Economic Research and Development*, 1: 2-48, 77-67.
50. *Geography*
51. Harvey, David, 1997, *Social Justice and the City*, translated by Farrokh Hesamian, Tehran: Urban Processing and Planning Company.
52. Jamehpour, Mahmoud, 2005, A systemic approach to the village and rural development, *Rural and Development*, Year 8, No. 1, pp. 55-80.
53. Kalantari, Khalilullah and Abdullahzadeh, Balamhossein, 2012, *Spatial Planning and Land Management*, Tehran: Farhang Saba.
54. Marashi, Seyed Jafar, 1388, *Systems thinking and evaluating its effectiveness in society and organization*, Tehran, Industrial Management Organization.
55. Martin, R., 2012, Regional Economic Resilience, Hysteresis and Recessionary Shocks, *Journal of Economic Geography*, Vol. 12, pp. 1-3.
56. Masoumi Eshkevari, Seyed Hassan, 2012, *Principles and bases of regional planning*, Payam Publishing.
57. Omidi, Reza, 2012, Analysis of Iran's Development Programs from the Perspective of Social Planning Components, *Journal of Planning and Budget*, 4(14), 114-97.
58. Papli Yazdi, Mohammad Hossein and Ebrahimi, Mohammad Amir, 2002, *Theory of Rural Development Theories*, Tehran: Samat Publications.
59. Poor Taheri, Mehdi and Naghavi, Mohammad Reza, 2011, Physical development of rural settlements with a sustainable development approach (concepts, theories, strategies). *Housing and village*, No. 137, pp. 70-53.
60. Rahimi, Manijeh and Tavassoli, Ferdows, 2012, A Study of the Role and Position of Rural Development in Five-Year Development Plans, *Fourth National Scientific Conference on Student Geography*, Tehran, -<https://www.civilica.com/Paper>.

61. Ratan, Vernon, 1997, Comprehensive Rural Development Plans, Historical Perspective, translated by Abdolhamid Hashemi Olya, *Quarterly Journal of Rural and Development*, No. 2, Tehran: Rural Research and Study Center of the Ministry of Jihad Sazandegi.
62. Razavizadeh, Seyed Nouredin, 2015, *Designing a Rural Development Process Monitoring System*, Tehran, Ministry of Agriculture.
63. Reimer and Brett, 2013, Scientific Knowledge and Rural Policy: A Long-distant Relationship, *Sociologia Ruralis*, Vol. 53, No. 3, *European Society for Rural Sociology*.
64. Reimer, B. and Markey, S., 2008, Place-based Policy: A Rural Perspective; 7 November 14 Pages with 49 page Appendix (Ottawa, On: Human Resources and Social Development Canada), Available on: [https://www.crcresearch.org/files/crcresearch\\_v2/ReimerMarkeyRuralPlaceBasedPolicySummaryPaper20081107.pdf](https://www.crcresearch.org/files/crcresearch_v2/ReimerMarkeyRuralPlaceBasedPolicySummaryPaper20081107.pdf).
65. Research Center of the Islamic Consultative Assembly, 2007, *Analytical Report of the Establishment Plan of the Rural Development Organization (Paragraph A of Article 19 of the Fourth Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran)*, Rural Development Institute of Iran, Limited Published Report.
66. Research Center of the Islamic Consultative, 2016, *A Study of the Situation of Villages in Iran*, Tehran.
67. Rezvani, Mohammad Reza, 2004, *Introduction to Rural Planning in Iran*, Quds Publications.
68. Rezvani, Mohammad Reza, 2016, Assessing the policy of central settlements in the planning and development program of rural areas. *Geographical Research*, No. 35, pp. 108-95.
69. Rokanuddin Eftekhari, Abdolreza; Mahmoudi, Samira; Ghaffari, Gholamreza and Portaheri, Mahdi, 2014, Explaining the spatial pattern of social capital in sustainable rural development: Villages of Khorasan Razavi province. *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, Fourth Year, No. 1, pp. 87-87.
70. Rokanuddin Eftekhari, Abdolreza and Bouzar Jamhari, Khadijeh, 2005, Analysis of the position of indigenous knowledge in sustainable rural development. *Space planning and planning*, Vol. 9, No. 1, pp. 17-45.
71. Rokanuddin Eftekhari, AbdolReza; Diani, Leila and Eftekhari, Ehsan, 2016, Content analysis of rural citizenship rights in the five-year social, economic and cultural development programs of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Spatial Planning and Planning*, (2) 20, 205-191.
72. Rokanuddin Eftekhari, Abdolreza; Mahmoudi, Samira and Portaheri, Mehdi, 2015, Explaining the Spatial Pattern of Social Capital in Sustainable Rural Development, Case: Villages of Khorasan Razavi Province, *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, Fourth Year, No. 1, pp. 87-107.
73. Rokanuddin Eftekhari, AbdolReza; Sajasi Qedari, Hamdallah and Sadeghloo, Tahereh, 2013, Content analysis of the place of sustainable rural development in rural development programs in Iran, *Journal of Spatial Planning and Planning*, (2) 20, 195-205.
74. Rondinelli, Dennis A 1983. Rural development strategy paper: Considerations for program design and implementation. Washington: USAID
75. Saeedi, Abbas and Hosseini Hasil, Sedigheh, 2010, The foundation of locating and establishing new villages, Tehran: Shahidi Publications, second edition.
76. Saeedi, Abbas and Hosseini Hasil, Sedigheh, 2010, The foundation of locating and establishing new villages, Tehran: Shahidi Publications, second edition.
77. Saeedi, Abbas and Sadough, Seyed Hassan, 2006, Spatial system as the essence of geographical studies. *Izan Geographical Association*, Nos. 10 and 11, pp 07-20.
78. Saeedi, Abbas, 2009, *Fundamentals of Rural Geography*. Tehran: Samat Publications, 11th edition.
79. Saeedi, Abbas, 2009, The role of geographical factors in instability, *Geographical Research*, No. 13.
80. Saeedi, Abbas, 2012, Structural-Functional Scanning is an Unmatched Approach in Spatial Planning, *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, Year 1, No. 1, pp. 1-18.
81. Saeedi, Abbas, 2014, Structural-functional scanning of a systematic approach in spatial-spatial studies, *Journal of the Geography Association*, No. 13.
82. Saeedi, Abbas, 2014, *Ten Articles in Recognizing Rural Settlements*, Tehran: Mehr Minoo Publications.

83. Shokouei, Hossein, 1996, *New Thoughts in the Philosophy of Geography*, Tehran: Gitashenasi Publications.
84. Sumner, Jennifer, 2001, Challenges to sustainability: The impacts of corporate of globalization on rural communities, *Rural extension studies*, University of Guelph .www .uoguelph.ca.
85. Tacoli, C., 2005, Rural-urban interactions: a guide to the literature, *Journal of Environment and Urbanization*, Vol. 10, No. 1, pp. 1-20.
86. Zahedi, Mohammad Javad; Ghaffari, Gholamreza and Ebrahimi Loyeh, Adel, 2012, Theoretical shortcomings of rural development planning in Iran, *Rural Research*, 4 (12), 1-24.
87. Ziari, Keramatollah, 2017, *Principles and Methods of Regional Planning*, Tehran: University of Tehran Press.